

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

عبداللطیف صدیقی لندری
کانادا - 21 جولای 2011

از اشعار دوران دربدری در پاکستان

(دوبیتی ها و رباعیات)

(قسمت هژدهم)

با اطمینانی که از نوشته پرلطف مؤرخ 22 اپریل 2011 (صفحه 23 اپریل 2011) نویسنده و شاعر توانا و مبارز انجنیر صاحب معرفی حاصل گردید، اینک بسته اشعار دوران دربدری و بی سرنوشتی اقامت پاکستان خود را تقدیم نمودم، تا بعد از تصحیح و پیرایش لازم، به تدریج افتخار نشر را در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" پیدا کند. بدینوسیله از جناب شان و تمامی متصدیان معزز پورتال عزیز و باوقار ما صمیمانه سپاسگزارم.

ترا بی درد عشق از دل چه حاصل
طلب کردن ز خاک و گل چه حاصل
ز زاهد درگذر با مست آویز
تمنا از کف باطل چه حاصل

آدم! کی زندگی با بندگی مُدغم کنم
گوهرم! کی دیده سوی بحر و جام جم کنم
شور آزادی بسر دارم ز اسلاف وطن
گردن طاعت کجا در پیش دونان خم کنم

ز راز دشمنان کس را خبر نیست
نگر شام سیه را که سحر نیست
گرفتند این وطن در حیطة خود
که فرجامش بجز چشمان تر نیست

طلسم و رنگ دشمن دیدنی هست
از این میهن دگر گل چیدنی هست
وطنداران نپوشین چشم خود را
که چال دشمنان فهمیدنی هست

دلم بشکسته افتاده به خاک است
همه از ظلم و وحشت سینه چاک است
وطندارم مشو ناخـوانده مهمان
که این مهمان ز خانه بیمناک است
